

سخن مدیر مسئول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

العلماء أمناء، والأتقياء حصون، والأوصياء سادة. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹،

حدیث ۵)

در این کلام نورانی، دانشوران پروادار و عامل را امینان مردم دانسته، و به روایت دیگر: العلماء منار، یعنی دانشمندان گلدسته ایست که از فراز آن، نور به همه جا گسترده شود و پرتوافشانی کند. به کمک این‌گونه دانشوران است که همگان می‌توانند کشتی طوفان‌زده اندیشه‌ها را به ساحل آرام و امن هدایت سپارند؛ در پرتو نور علم الهی آنها، راه نجات را از دوردست تاریکیها بازیابند؛ با پوشیدن جامه عمل و تقوا، دژ پایدار و استواری بنا کنند؛ و به نور علم و دعوت به عمل و تقوا مسیر پربرکت هدایت و رشد را برای نسلها و عصرهای دیگر فراهم آورند.

۲. در یخ‌بندان عصر غیبت - که از «فقد نبینا و غیبة ولینا» به خدایمان شکایت می‌بریم - دستاورد فرهیختگی انسان که در پرتو گرما و نور مشعلهای هدایت، توسط این حاملان علم و معرفت به دست ما رسیده؛ ابرهای باران‌زایی است که از آسمان معرفت، بر کویر خشک دلها می‌بارند و مسافران واحه‌های کویری را از دلبستگی به سرابهای دروغین باز می‌دارند و زلال جاری هدایت را برایشان به ارمغان می‌آورند. در تلاطم فراز و نشیب امواج قرن چهارم، به دعای خیر امام عصر ارواح‌نافداه عالمی همچون صدوق دیده به جهان می‌گشاید که «فقیه خیر مبارک» باشد و سررشته گمشده را به عروة الوثقیای حجت الله پیوند دهد و در سده‌های بعد، نیز

ثمره‌های دیگر از این شجره طیبه که: «تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» است می‌شکفتد. ۳. و این است رهنمود هدایت بار امام هادی علیه السلام که عالمان در زمان غیبت، باید پیکی از قطره به دریا باشند: مردم را به امام مهدی علیه السلام فراخوانند و بدان آستان آسمان‌سای راه نمایند. تنها در این صورت است که مردم، از ضلالت رها می‌شوند و در شاهراه هدایت گام می‌نهند. (احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۵)

این کلام آسمانی، هم به عالمان درس می‌آموزد و هم به متعلمان: عالمان را منشور و آیین است و متعلمان را ضابطه ارزیابی مدعیان و شناخت عالمان راستین و پذیرش کلام و گردن نهادن به آنان.

۴. بدین سان، نظر به عالم را عبادت می‌شمارند (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۷۵). و چرا چنین نباشد؟ هدف عبادت، راهیابی به بارگاه بلند عبودیت است، که از مصاحبت عالم فراچنگ می‌آید، چنان‌که نظر رحمت به والدین و نظر به مصحف سترگ الهی عبادت است، و به حکم عقل، عالمانی که درس دین را با علم و عمل آموختند، شأنی همچون پدر دارند. شاید بتوان گام کوچک مطبوعاتی را که به عنوان بزرگداشت یک عالم و شناخت سیره و روش علمی و عملی او بر می‌داریم، از مصادیق "نظر به عالم" برشمرد؛ از آن روی که در اینجا نیز پژوهشگران توشه‌ای از خوان هدایت او بر می‌گیرند و جرعه‌نوشان زلال ایمان را سیراب می‌کنند. این‌گونه تکریم‌های مکتوب، نوعی شکر نعمت وجود عالم است و میوه‌چینی از درخت پربار و بر او.

۵. یکصدسال پیش (۱۷ رجب ۱۳۳۳) در خانه عالمی پاک، مرحوم شیخ محمد نمازی، در شاهرود، فرزندی دیده به جهان گشود که او را علی نامیدند، و تقدیر چنین بود که هفتاد و دو سال در پهنه خاک، بماند و مشعل هدایت خاندان نور علیه السلام را به دست گیرد و به همگان راه نماید. مرحوم آیت الله نمازی شاهرودی پس از گذراندن مراحل فقاهت و استنباط احکام، به ترویج حدیث اهل بیت علیهم السلام روی



آورد، علم را با ایمان و اخلاص و عمل در آمیخت، و علاوه بر نگارش سه موسوعه جاودانه در حیطه رجال و حدیث و فقه، آثاری دیگر-کم‌برگ و پربار-نگاشت، و برای آیندگان به یادگار گذاشت، علاوه بر اینها به تربیت فرزندان و شاگردانی همّت نمود که در اقصی و اکناف کشور و جهان، با بهره از درس استاد همچنان راه او را ادامه می دهند.

۶. فصلنامه سفینه بر آن شد تا در این مناسبت، صفحاتی چند را به دور از اغراق و مبالغه‌ها به تجلیل و تحلیل توأمان از این بزرگ‌مرد اختصاص دهد. شیوه‌ای که تاکنون در برخورد با شخصیت‌های دیگر پی گرفته‌ایم و صفحات پیشین سفینه بر آن گواه است. این شماره ویژه، با کمک و اهتمام پژوهشگرانی چند سامان یافت، به ویژه فرزندان دانشور مرحوم آیت الله نمازی - جناب حاج محمد و جناب حجّت الاسلام شیخ حسن نمازی - و محققانی که به دعوت ما پاسخ مثبت دادند. اجر تمامی آنان با حجّت‌های معصوم الهی علیهم‌السلام باد، که در شناساندن چهره‌ای کمتر شناخته شده گامی برداشتند و ابوابی جدید بر روی سالکان طریق معرفت گشودند.

۷. این شماره سفینه، حلقه‌ای است از زنجیره گرامی داشت بزرگان وادی علوم قرآن و حدیث، که جان در راه آرمان نهادند و جاودانه شدند. ناگفته پیداست که بدون یاری دلسوختگان، این راه به فرجام نمی‌رسد، و این بار بر زمین می‌ماند. و مسئولیت، هم‌چنان بر دوش ما سنگینی می‌کند، که: چرا کفران نعمت؟ و این پرسش - که فردا با آن مواجه می‌شویم - بی پاسخ می‌ماند که: چرا گوهر اصل را شناسانید تا رهنوردان خام، به شبهه معرفت‌های دروغین روی آوردند؟ و چه عذری در این فتور و سستی دارید، که مشعلداران راه انتظار امام موعود رابه نسلهای بعد معرفی نکردید؟ در این فرصت، دست به دعا برمی‌داریم واز سویدای درون، خدای بزرگ را می‌خوانیم که: «رَبَّنَا لَا تَوَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا»
آمین یا ربّ العالمین.